

نگاه Asia Times، هنگ کنگ

## پیچ و خم‌ها

## تعهد ایران به غیرمتعهدها، بازی را پیچیده‌تر خواهد کرد.

یکی از سؤالاتی که آغاز سال ۲۰۱۰ برای همگان به وجود آورد این بود که بر سر روابط به بن‌بست کشیده شده ایران و آمریکا چه پیش خواهد آمد؟ آیا این بن‌بست همچنان ادامه خواهد یافت و روابط دو کشور به واسطه اعمال تحریم‌های شدیدتر و اقدامات تنبیهی آمریکا علیه ایران بدتر خواهد شد و یا این که بهبودی نسبی در روابط دو کشور - به ویژه در برنامه هسته‌ای ایران که مسأله اصلی دیپلماسی فعلی دو کشور است - رخ خواهد داد؟ بدون شک این سؤالات نه تنها برای ایران و آمریکا مهم است، بلکه برای جامعه بین‌الملل، خصوصاً همسایه‌های پُراشوب ایران که در رأس آنها عراق و افغانستان قرار دارند نیز از اهمیت برخوردار است. در واقع این جایگاه ویژه ایران در خاورمیانه است که روابط سیاسی آن با دیگر کشورها را پُراهمیت ساخته است؛ چرا که همه آنان در مسایل جنگ و صلح ناشی از برنامه هسته‌ای ایران، منافع مقرر شده دارند.

شروع سال ۲۰۱۰ با توجه به این که تهران قطعنامه‌های شورای امنیت را بارها رد کرده، چشم‌اندازی از قریب‌الوقوع بودن تحریم‌های سخت‌تر سازمان ملل و همچنین دیگر تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه (از جمله اتحادیه اروپا) علیه ایران را به تصویر می‌کشاند. اکنون سؤال دیگری که مطرح

می‌شود این است که تحریم‌های جدید سازمان ملل چه مواردی را شامل خواهند شد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت در داخل سازمان ملل کسی در مورد پاسخ این سؤال مطمئن نیست و تنها اطلاعاتی که در این باره به دست آمده نشان می‌دهد که شدت این تحریم‌ها به طور قطع، کمتر از آنچه سیاستمداران و کارشناسان رسانه‌های آمریکا بر آن اصرار دارند، می‌باشد. اما آنچه برخی از کارشناسان روابط بین‌الملل را با نگرانی مواجه ساخته، این است که اگر فشار قدرت‌های سازمان ملل به ایرانی‌ها بیش از حد باشد، امکان دارد که این تحریم‌ها نتیجه معکوس داشته باشند.

از آنجایی که ایران از حمایت قاطع بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل که عضو جنبش غیرمتعهدها نیز هستند برخوردار است، این نگرانی صورت واقعی به خود می‌گیرد. یکی از مقامات این جنبش عنوان کرده است

که ۱۸ کشور غیرمتعهد، با قبول اظهارات ایران در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای به حمایت بی‌چون و چرا از این کشور پرداخته‌اند و از آنجایی که قرار است تهران در سال ۲۰۱۲ عهده‌دار ریاست جنبش غیرمتعهدها شود، پایبندی به تعهدات خود را در قبال جامعه غیرمتعهدها امری ضروری می‌داند. اگر تهران بر خلاف وعده‌های خود به جنبش غیرمتعهدها عمل کند، کل جنبش اعتبار خود را در جامعه بین‌الملل از دست خواهد داد که این مسأله نشان می‌دهد تهران باید مراقب جایگاه خود در جنبش غیرمتعهدها باشد. همچنین با توجه به پشت کردن هند به تعهدات خود در جنبش و روی آوردن آن کشور به سوی غرب، تمایل کشورهای عضو برای اعطای رهبری جنبش به ایران و چند کشور دیگر افزایش یافته است.

## جنبش جهانی ایران

ارتباط میان ایران و جنبش غیرمتعهدها از یک طرف و بن‌بست هسته‌ای از طرف دیگر این مسأله را در مورد جهت‌گیری سیاست خارجی ایران مطرح می‌کند که ایران به دنبال به دست آوردن نقشی منطقه‌ای نیست، بلکه خواستار تحقق نقشی جهانی است. علاوه بر این مطلب، این سؤال مطرح است که چرا ایران با توجه به سهم اندکش در اقتصاد جهانی - که بی‌شک باید در منطقه متمرکز شود - خواستار جهانی شدن است؟ به گفته یکی از دیپلمات‌های ایرانی، هدف این کشور پیوستن به قدرت‌های بزرگ جهانی نیست، بلکه تغییر شکل جهان به سوی یک نظم عادلانه‌تر و مقابله با حکومت جهانی ناعادلانه است، به گونه‌ای که دیگر کشورها نیز به "خطوط متساوی" بپیوندند. این خطوط، ملاحظات اقتصادی، سیاسی، نظامی و ژئواستراتژیک را از جمله خلع سلاح هسته‌ای پوشش می‌دهد.

بنابراین در صورتی که سیاست‌گذاران آمریکایی، سیاست خارجی ایران و بلندپروازی‌های جهانی این کشور را به طور صحیح بررسی کنند، تنها به این نتیجه خواهند رسید که هم اواما و هم ایران یک نقطه مشترک دارند و آن خلع سلاح هسته‌ای در جهان است. ■

## نگاه Turkish Weekly، آنکارا

## رفت و آمدها

در سال ۲۰۰۹ مقامات دولتی کشورهای ایران و ترکیه طی دیدارهایی بر اهمیت و نفوذ ایران و ترکیه در منطقه و در عرصه بین‌الملل تأکید کردند و اظهار داشتند که به کمک تاریخ، ارزش‌های فرهنگی، تمدن عمیق و موقعیت استراتژیک و جغرافیایی خود می‌توانند سهم بسزایی در برقراری ثبات و صلح در محدوده جغرافیایی وسیعی داشته باشند. دیدارهای دو جانبه دو کشور تأکیدی است بر این که ایران و ترکیه باید در جنگ علیه تروریسم، روابط گسترده و تمایلات سیاسی خود را ادامه دهند.

در این دیدارها، سران دو کشور حول روش‌هایی برای توسعه بیشتر روابط اقتصادی و تجاری به میزان مطلوب و بهره بردن از فرصت‌هایی که بتوانند حجم تجارت ۱۰ میلیارد دلاری سال ۲۰۰۹ را گسترش دهند، سخن گفته‌اند. اما با وجودی که مجموع جمعیت ایران و ترکیه به ۱۵۰ میلیون نفر می‌رسد و این امر می‌تواند بازاری امیدوارکننده برای هر دو کشور ایجاد کند، حجم تجارت همچنان نسبتاً پایین است. البته برای افزایش حجم روابط تجاری به بیش از ۴۰ میلیارد دلار، چندین توافقنامه در این دیدارها به امضا رسیده است.

علت و نتیجه منطقی جایگاهی که اکنون روابط ایران و ترکیه به آن رسیده است را می‌توان در دیدار مقامات بلند پایه دو کشور در سال ۲۰۰۹ دانست. از جمله این دیدارها می‌توان به سفر سعید جلیلی و علی لاریجانی به ترکیه در روزهای هفتم و سیزدهم ژانویه ۲۰۰۹ اشاره کرد. رئیس‌جمهور ایران، هشتم نوامبر برای شرکت در جلسه سران سازمان کنفرانس اسلامی عازم ترکیه شد که در این سفر با همتای خود، عبدالله گل و نیز رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، دیدار کرد.

از طرفی، عبدالله گل نیز دهم مارس برای شرکت در نشست سازمان همکاری‌های اقتصادی به تهران سفر کرد و با محمود احمدی‌نژاد و رهبر معظم انقلاب دیدار کرد. همچنین، احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، به دعوت همتای خود در دوازدهم سپتامبر به تهران آمد. اردوغان به همراه هیأتی از بلند پایه‌ترین مقامات کشوری ترکیه در روز ۲۶ اکتبر با مقام معظم رهبری، احمدی‌نژاد، لاریجانی و جلیلی دیدار داشت. این دیدار به دنبال انتقاد شدید اردوغان در کنفرانس داووس، علیه رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی بر سر جنایات غزه، توانست تأثیر بسیار زیادی بر افکار عمومی ایرانیان باقی‌گذارند.

